

پارادوکس ترجمه برای کودکان

محمد جواد مهدوی

در سال ۲۰۰۶ کتابی به انگلیسی منتشر شد به نام *It's not the Stork!* (کار لک لک نیست!) با تصویرگری مایکل امبرلی. نویسنده و تصویرگر کتاب در مقدمه کوتاه خود می گویند:

کودکان ما تقریباً درباره همه چیز کنجکاوند. آنان مخصوصاً درباره بدن هایشان، درباره اینکه از کجا آمده اند، و چگونه ساخته شده اند، کنجکاوند. بسیاری، البته نه همه، از ما سؤال‌های بی‌پایانی درباره این موضوعات می‌پرسند. از ما می‌پرسند چرا بدن هایشان با بدن‌های دیگران تشابه یا تفاوت دارد، چه چیزی دختر را دختر و پسر را پسر می‌کند، نام بخش‌های مختلف بدنشان چیست، بچه‌ها از کجا می‌آیند، بچه‌ها چگونه ساخته شده‌اند، خانواده چیست و بسیاری سؤال‌های دیگر درباره خودشان و بدن هایشان. ... این کتاب نوشته شده تا به بسیاری از پرسش‌ها و نگرانی‌های کودکان درباره این مسئله‌ها پاسخ دهد.

روی جلد کتاب قید شده برای کودکان چهارساله و بالاتر. این کتاب را حسام حسین‌زاده در ۱۳۹۵ به نام لک‌لکی در کار نیست، همراه با تصویرهای کتاب اصلی، به صورت فایل پی‌دی‌اف در فضای مجازی منتشر کرد. ترجمه این کتاب در آن زمان که تقریباً مقارن بود با بحث‌های مربوط به سند ۲۰۳۰، جنجال زیادی برانگیخت. گروهی در مخالفت با آن سخن می‌گفتند و آن را نوعی تهاجم فرهنگی می‌دانستند و گروهی هم در دفاع از آن، ضرورت چنین آموزش‌هایی را برای کودکان گوشزد می‌کردند.

بحث‌هایی را که ترجمه این کتاب برانگیخت، می‌توان به شکلی عام‌تر این‌گونه مطرح کرد: آیا هر متنی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان را می‌توان برای ترجمه به زبانی دیگر انتخاب کرد و اگر بتوان انتخاب کرد، آیا می‌توان تمام متن را با وفاداری کامل به زبان مقصد برگرداند یا باید بخش‌هایی از آن را برگزید و بخش‌هایی را هم با تغییراتی ترجمه کرد؟ البته همین سؤال یا سؤال‌های مشابه را می‌توان درباره ترجمه ادبیات یا دیگر متون بزرگ‌سالان هم مطرح کرد، اما در حوزه متون ادبیات کودک تفاوت سطح قدرت مخاطب و نویسنده مطرح است (درباره عدم توازن قدرت بین نویسنده بزرگ‌سال و خواننده کودک در ادبیات کودک رک: بووه، ۲۰۱۵ و مک‌کالک، ۲۰۱۹). علاوه بر این، چون کتاب‌های کودکان با سلیقه و علاقه بزرگ‌سالان

نوشته، انتخاب و ترجمه می‌شوند و در خرید آنها انتخاب بزرگ‌ترها به همین اندازه اهمیت دارد، این وضعیت پیچیده‌تر می‌شود. افزون‌بر این، مسئلهٔ تعلیمی بودن ادبیات کودک هم از مهم‌ترین وجوه این نوع از ادبیات است. سولیوان از این دوراهی که مترجم آثار کودکان با آن مواجه است، با عنوان پارادوکس یاد کرده است:

در دل ترجمهٔ ادبیات کودکان، پارادوکسی وجود دارد: تصور معمول این است که کتاب‌ها برای غنی‌سازی ادبیات کودکان زبان مقصد و آشناکردن مخاطبان با فرهنگ‌های خارجی ترجمه می‌شوند، اما در همین حال، عناصر خارجی غالباً از ترجمه‌ها حذف می‌شوند و تنها بر اساس دلایلی مثل اینکه خوانندگان خردسال آن را درک نمی‌کنند، با فرهنگ مقصد سازگار می‌شوند. بنابراین، ترجمهٔ ادبیات کودکان ایجاد تعادلی است بین سازگارکردن عناصر خارجی با سطح فهم خوانندگان کودک و حفظ تفاوت‌هایی که به صورت بالقوه منجر به غنی‌سازی فرهنگ مقصد از طریق ترجمه می‌شود. (سولیوان، ۲۰۰۵: ۶۴)

رونالد جوب (۱۹۹۵: ۵۱۳) نیز به چالش مشابهی اشاره می‌کند و مترجم ادبیات کودک را بر سر این دوراهی می‌داند که باید تصمیم بگیرد به متن اصلی پایبند باشد و آن را کلمه‌به‌کلمه ترجمه کند یا روح داستان را مهم بداند و بکوشد آن را، حتی اگر شده از طریق ساده‌سازی، به مخاطب خردسال منتقل کند. از نظر او ایراد روش اول این است که ممکن است متن ترجمه‌شده در زبان مقصد زنده و طبیعی به نظر نرسد و ایراد روش دوم آن است که ممکن است خیلی از متن اصلی فاصله بگیرد و منظور نویسنده را تأمین نکند.

در هر صورت، اگر سیاست مترجم در ترجمه، بیگانه‌سازی باشد روش اول و در صورتی که سیاستش بومی‌سازی باشد، روش دوم را برمی‌گزیند. از نظر لارنس ونوتی حُسن بیگانه‌سازی این است که از این طریق ایده‌ها و ژانرها و ارزش‌های فرهنگی جدید وارد زبان مقصد می‌شوند (ونوتی، ۱۹۹۵: ۱۸-۲۲)، اما از طرف دیگر، این کار ممکن است از جذابیت متن برای خوانندهٔ کودک بکاهد چون احساس می‌کند متن خیلی غریبه است و در نهایت، علاقه‌اش را به خواندن از دست بدهد. (برای خواندن نظرات بیشتر در موافقت یا مخالفت با این دو دیدگاه، رک: اویتینن، ۲۰۱۴: ۴۳)

در هر دو دیدگاه، مترجم میانجی است، اما این میانجی می‌تواند منفعل باشد و به تعبیر آنتیا بل (جوب، ۱۹۹۶: ۵۱۴) مانند شیشه‌ای شفاف عمل کند و صرفاً متن را از زبانی به زبان دیگر برگرداند بی‌آنکه خودش در این میان دیده شود و یا بنا به دلایلی که بعداً دربارهٔ آنها سخن خواهیم گفت نقش فعالی داشته باشد و فقط به برگرداندن متن به زبان مقصد اکتفا نکند.

چند دلیل می‌تواند به اتخاذ سیاست بومی‌سازی منجر شود: فشارهای سیاسی، سانسور، ارزش‌های اخلاقی متفاوت، باورهای مذهبی یا فرهنگی متفاوت، وجود اقلیت‌های قومی،

نژادی و دینی و ... بومی‌سازی ممکن است شامل هر چیزی شود از قبیل نام‌ها، ژانر، رویدادهای تاریخی، آیین‌ها و باورهای فرهنگی یا مذهبی. گاه بومی‌سازی به تغییرات جزئی اکتفا نمی‌کند و به حذف بخش‌هایی از کتاب یا خلاصه‌کردن آن می‌انجامد. چون در کتاب‌های کودک، به‌خصوص در رده‌های سنی پایین‌تر تصاویر هم اهمیت زیادی دارند، این تغییرات ممکن است شامل تصاویر هم بشود. (پالوپوسکی و اویتینن، ۲۰۰۱).

گاهی اوقات هم ممکن است اصلاً کتاب خاصی بنا به همین دلایل از روند ترجمه کنار گذاشته شود. این انتخاب یا عدم انتخاب ممکن است از سوی خود مترجمان یا ناشران باشد یا ناشی از سیاست‌گذاری‌ها و ممیزی‌های حکومت‌ها. نمونه‌ی اولی را می‌توان در ایالات متحده دید. محقق آمریکایی، سوزان استن، در پایان‌نامه خود در ۱۹۹۷، به بررسی کتاب‌های کودکان پرداخت که وارد ایالات متحده می‌شوند. او بررسی کرد که چه نوع کتاب‌هایی ترجمه شده‌اند و چگونه ترجمه شده‌اند. او به این نتیجه رسید که ویراستاران در ایالات متحده مایلند به کتاب‌هایی که با فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی سازگار هستند، اولویت بدهند. چنین انتخاب‌هایی می‌توانند در برخی موارد ابزاری باشند برای تثبیت تصویرهای ناقص یا کج‌ومعوج از سایر کشورها و فرهنگ‌ها. نمونه‌ی دومی در زمان حکومت کمونیستی در آلمان شرقی رخ داد. محقق اتریشی، گابی تامسون وولگموت، وضعیت را در جمهوری دموکراتیک آلمان پیشین توصیف کرده است. دولت آلمان شرقی ترجمه را وسیله‌ای می‌دانست برای آشناکردن مردم، از جمله کودکان، با کشورها و فرهنگ‌هایی که مقبول تلقی می‌شدند. هدف ادبیات کودکان پرورش جوانان سوسیالیست بود و به همین دلیل کتاب‌هایی که به جوامع بورژوازی سوگیری مثبتی داشتند یا انتخاب نمی‌شدند و یا با تغییرهایی همراه می‌شدند و یا اصولاً بازنویسی می‌شدند. (اویتینن، ۲۰۱۴: ۴۰). نمونه‌ی دیگری از دومی این روزها درباره‌ی انیمیشن باربی و ممنوعیت ورود آن به ویتنام در جریان است آن هم به دلیل نقشه‌ی جغرافیایی استفاده شده در این انیمیشن که چین و ویتنام بر سر آن اختلاف دارند.

علاوه بر اینها، حتی اگر هیچ فشار بیرونی هم در کار نباشد، تصویری که مترجم از کودکی دارد، بر انتخاب اثر و ترجمه‌ی او تأثیر خواهد گذاشت. این تصور معمولاً تا حد زیادی مبتنی است بر کودکی خود مترجم که ممکن است با کودکی خواننده‌ی احتمالی اثر، تفاوت زیادی داشته باشد. همچنین ایدئولوژی (آشکار یا پنهان) خود مترجم و سیاست او در ترجمه هم بر عملکرد او تأثیر خواهند داشت.

اویتینن، مترجم و صاحب‌نظر فنلاندی برجسته در حوزه «ترجمه برای کودکان»^۱ معتقد است مترجم برای آنکه بتواند تا حد امکان به کودکانی که مخاطب آثارش هستند نزدیک شود و دنیای آنها را درک کند باید وارد جهان کارناوالی آنان شود و آن را تجربه کند. بدیهی است

که بزرگسال نمی‌تواند بزرگسالی را کاملاً به یک سو نهد، اما می‌تواند با گوش دادن به کودکان اطراف خود و وارد شدن به مکالمه با آنان و همچنین گوش سپردن به کودک درون خود تا حد امکان به دنیای کودکی نزدیک شود (اویتینن، ۲۰۰۰، ۱۶۸). ممکن است در اینجا این پرسش مطرح شود که حتی اگر مترجم چنین کند و به‌گفته‌ی اویتینن در دنیای کودکان «شیرجه رود»، واقعاً دنیای کودکی را درک می‌کند و تصویر درستی از کودک به دست می‌آورد؟ اویتینن در این باره می‌گوید تصویر کودک موضوع بسیار پیچیده‌ای است. از یک سو، چیز منحصر به فردی است که مبتنی بر زندگی شخصی فرد است و از سوی دیگر، چیزی جمعی و حاصل جمع تجربه‌ها و تصورات تمام افراد جامعه است (اویتینن، ۲۰۱۴: ۴۱). بنابراین، مترجم برای ورود به دنیای کودکان و تصمیم‌گیری درباره‌ی چگونگی نزدیک کردن متن مبدأ به دنیای مخاطبان، باید تمام این جوانب را در نظر بگیرد. در این فرایند، مترجم به جای تلاش برای آموختن به کودکان، باید از آنان بیاموزد (اویتینن، ۲۰۰۰، ۵۸ و ۱۶۸).

از نظر اویتینن، متن مقصد باید در نهایت برای خوانندگان جذابیت داشته باشد و جهت‌گیری آن باید به سمت خوانندگان و شنوندگان آثار باشد. از سوی دیگر، خوانندگان و شنوندگان هم باید به سمت متن هدایت شوند. به عبارت دیگر، باید اراده‌ی متقابل برای درک کردن و درک شدن وجود داشته باشد. در این فرایند، مترجم باید مفاهیمی را که در متن مبدأ تا حدودی بیگانه می‌نمایند به واژه‌ها و مفاهیمی از آن خود تبدیل کند. از نظر او، ترجمه‌ی کتاب‌های کودکان باید به خوانندگان خود کمک کند که به صورت کامل از ظرفیت انسانی خود بهره‌مند شوند و لذت ببرند. این متن‌ها، علاوه بر دادن لذت به کودکان باید به او این حس را هم بدهد که دستاوردی نصیبش شده است. (اویتینن، ۲۰۰۰، ۱۶۸)

در پایان، اویتینن به این نکته اشاره می‌کند که مترجم در هنگام ترجمه برای کودکان باید چنین سؤال‌هایی از خود بپرسد: «چرا ترجمه می‌کنم؟»، «این ترجمه در چه صورتی به هدف خود خواهد رسید؟» و «برای چه کسانی ترجمه می‌کنم؟». علاوه بر این، باید به پرسش‌هایی درباره‌ی نقش مترجم، رابطه‌ی قدرت و مترجم، قواعد، ارزش‌ها و ایدئولوژی هم بیندیشد. (اویتینن، ۲۰۱۴: ۲۲).

منابع

- Harris, Robie H. (2006), *It's not the stork! a book about girls, boys, babies, bodies, families, and friends*, Massachusetts: Candlewick Press.
- O'Sullivan, Emer (2005), *Comparative Children's Literature*, trans. by Anthea Bell, London: Routledge.

- Jobe, Ronald (1996), "Translation" in: Hunt Peter (editor), *International Companion Encyclopedia of Children's Literature*, London: Routledge, 512-522.
- Venuti, Lawrence (1995), *The Translator's Invisibility: A History of Translation*, London: Routledge.
- Oittinen, Ritta (2000), *Translating for Children*, New York & London: Garland Publishing.
- Oittinen, Ritta (2014), "No Innocent Act: On the Ethics of Translating for Children" in: Jan Van Coillie & Walter P. Verschueren (editors), *Children's Literature in Translation Challenges and Strategies*, London: Routledge, 35-45.
- Paloposki, Outi and Riitta Oittinen (2001) "The Domesticated Foreign", in: Andrew Chesterman, Natividad Gallardo and Yves Gambier (eds) *Translation in Context: Proceedings of the 1998 EST Conference in Granada*, Philadelphia & Amsterdam: John Benjamins, 373-90.
- Beauvais, Clémentine (2015), *The Mighty Child: Time and power in children's literature*, Philadelphia & Amsterdam: John Benjamins.
- McCulloch, Fiona (2019), "Bildungsromane for Children and Young Adults" in: Graham, Sarah (editor), *A History of the Bildungsroman*, UK. Cambridge University Press, 174-200.

^۱ توضیح این نکته لازم است که اویتینن به جای عبارت "translation of children's literature" از عبارت "translating for children" استفاده کرده و همین نام را هم بر کتابش (۲۰۰۰) گذاشته است. از نظر او مترجم بیش از آنکه لازم باشد به متن اصلی پایبند باشد، باید به نویسنده و خواننده کودک وفادار باشد و بکوشد از طریق ترجمه، مکالمه‌ای بین نویسنده و خواننده برقرار کند. او در توضیح دیدگاه خود درباره ترجمه برای کودکان از اصطلاحات باختینی «مکالمه‌گرایی» و «کارناوالیسم» استفاده می‌کند.